

تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی: مطالعه تجربی با شواهدی از عرضه اولیه سهام^۱

عسگر پاک مرام

استادیار گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. (نویسنده مسئول)
Pakmaram@bonabiau.ac.ir

جمال بحری ثالث

استادیار گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۲۷

چکیده

مدیریت سود براساس فعالیت‌های واقعی روشی است که مدیران می‌توانند سودهای گزارش شده را از راه تعریف فعالیت‌های واقعی مدیریت کنند. به طور خاص آن‌ها می‌توانند زمان و میزان فعالیت‌های واقعی در سراسر دوره حسابداری را به گونه‌ای تغییر دهند که به یک هدف درآمدی خاصی دست پیدا کنند. هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی در زمان عرضه اولیه سهام شرکت‌ها می‌باشد. به منظور بررسی این موضوع در ایران، تعداد ۵۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲، مورد بررسی قرار گرفتند. روش پژوهش از نوع همبستگی، علی و پس رویداری و روش آزمون فرضیه‌ها، رگرسیون خطی چند متغیره است. برای سنجش مدیریت سود واقعی، از دو متغیر هزینه‌های غیرعادی اختیاری و جریان غیرعادی وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، استفاده شده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود به دستکاری فعالیت‌های واقعی از طریق هزینه‌های اختیاری غیرعادی و جریانات نقدی عملیاتی اختیاری غیرعادی دست نمی‌زنند.

واژه‌های کلیدی: کیفیت حسابرسی، مدیریت سود اقلام واقعی، بازده غیرعادی بلندمدت سهام.

۱- مقدمه

حرفه حسابرسی، مانند سایر حرفه‌ها برای حفظ جایگاه خود نیازمند کسب اعتماد عمومی است. آنچه جامعه از حرفه حسابرسی انتظار دارد ارائه گزارش حسابرسی باکیفیت مطلوب است (حساس یگانه و مقصودی، ۱۳۸۹). حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، همواره به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند. در این میان انگیزه‌های مدیران در جهت اعمال منافع شخصی خود در کیفیت سود، مانع از رسیدن حسابرسان به اهداف خود می‌شوند. در مقابل حسابرسان می‌توانند با افزایش کیفیت حسابرسی، مدیریت سود صورت گرفته توسط مدیران را کشف کرده و مدیران را در اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند (نمازی و همکاران، ۱۳۹۰). بنابه استدلال، نظریه تقاضا برای کیفیت حسابرسی از آن جانشی می‌شود که بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران تضاد نمایندگی وجود دارد. هنگامی که هزینه‌های نمایندگی به دلیل عدم تمرکز مالکیت و عدم وجود نظارت مؤثر توسط مالکان افزایش می‌یابد، تقاضا برای حسابرسی‌های باکیفیت بالاتر نیز افزایش می‌یابد (ازیبی و همکاران^۱، ۲۰۱۲). محققان شواهدی را فراهم نموده‌اند که حسابرسی موجب کاهش تضاد نمایندگی و کاهش احتمال بروز عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و مدیران می‌شود (جنسن و مکلینگ^۲، ۱۹۷۶). پیوت و جنین^۳ (۲۰۰۵) معتقدند حسابرسی می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری و کاهش مدیریت سود باشد؛ زیرا موسسه‌های حسابرسی باکیفیت دارای تخصص، منابع و انگیزه‌های بیشتری برای کشف اشتباه و تقلب هستند. به سخنی دیگر، کیفیت حسابرسی بر میزان راستی، درستی و صحت صورت‌های مالی و اطلاعات مالی تأثیرگذار است. در خصوص کیفیت حسابرسی تعاریف مختلفی وجود دارد. از دیدگاه دی‌آنجلو^۴ (۱۹۸۱)، کیفیت حسابرسی ارزیابی بازار از احتمال این است که حسابرس اولاً تحریف‌های بااهمیت را کشف کند و ثانیاً تحریف‌های کشف شده را گزارش کند. تیمن و ترومن^۵ (۱۹۸۶) نیز کیفیت حسابرسی را میزان صحت و درستی اطلاعاتی تعریف کرده‌اند که پس از حسابرسی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد. در تعریف دیگری، کیفیت حسابرسی در رابطه با میزان رعایت استانداردهای حسابرسی مرتبط، تعریف می‌شود.

از سوی دیگر، از آن‌جا که شرکت‌ها برای تأمین منابع مالی مورد نیاز خود برای نخستین بار قدم به بازار سرمایه می‌گذارند و مبادرت به عرضه اولیه سهام خود به عموم در بورس اوراق بهادار می‌نمایند (باقرزاده و همکاران، ۱۳۹۰)، خرید سهام شرکت‌های تازه وارد به بورس اوراق بهادار نسبت

به سایر شرکت‌های عضو بورس، مخاطره بیشتری دارد؛ زیرا سرمایه‌گذاران درباره شرکت‌های تازه وارد، اطلاعات زیادی ندارند (فیرث^۶، ۱۹۹۸). از این رو، عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و سرمایه‌گذاران بالقوه در این شرکت‌ها بالا است و سهام آن‌ها بر اساس اطلاعات ارائه شده از طرف مدیریت قیمت‌گذاری می‌شود (کردستانی و آشتاب، ۱۳۸۹). بنابراین، وجود اطلاعات ناکافی همراه با ریسک بیشتر باعث خواهد شد که سرمایه‌گذاران، سهام این شرکت‌ها را در سطوح پایین‌تری تقاضا نمایند. به همین دلیل مدیران این شرکت‌ها در تلاش‌اند تا با ارائه اطلاعات شفاف و قابل‌اتکا در تصمیم‌گیری به سرمایه‌گذاران کمک کنند. از طرفی حسابداری تعهدی به مدیران کمک می‌کند تا از راه‌های گوناگون از جمله؛ تغییر زمان تشخیص درآمدها با شناسایی سریع‌تر درآمد از طریق انجام فروش‌های نسبه اقدام به مدیریت سود کنند تا از این طریق، رشد سودآوری شرکت را به گونه‌ای نشان دهند که باعث افزایش سطح بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران شود. از این رو، شرکت‌ها در جریان عرضه اولیه سهام خود به عموم از عدم توجه سرمایه‌گذاران به ماهیت موقتی افزایش سود به واسطه مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی و یا دستکاری فعالیت‌های واقعی سوء استفاده می‌کنند و سهام را به قیمتی بیش از ارزش واقعی معامله می‌کنند (الهداب و همکاران^۷، ۲۰۱۳). جذب سرمایه‌گذاران بیشتر و افزایش سرمایه شرکت بعد از عرضه‌های اولیه، افزایش منافع افراد خودی و درون سازمانی از انجام معاملات محرمانه، افزایش پاداش و مزایای مدیران با توجه به بالا رفتن سود خالص، کسب عایدات بیشتر و ... از جمله دلایلی هستند که مدیران سود را در زمان عرضه‌های اولیه سهام متورم می‌سازند (آرمسترانگ^۸، ۲۰۰۹). بنابراین، مسئله اصلی در رابطه با این مطالب، این است که آیا مدیران شرکت‌های عرضه اولیه سهام، دستکاری فعالیت‌های واقعی را بدین منظور مدیریت می‌کنند یا گزارش‌های مالی شفاف و قابل‌اتکایی را ارائه می‌دهند و در صورت عدم ارائه اطلاعات قابل‌اتکا نقش حسابرسی مستقل چگونه خواهد بود. براین اساس، پژوهش حاضر در پی آن است تا با بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی در زمان عرضه اولیه سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پشتوانه علمی برای آن فراهم آورد تا از این طریق بتواند سرمایه‌گذاران را در اخذ تصمیمات اقتصادی سودمند یاری رساند.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش کیفیت حسابرسی

وقوع بحران‌های مالی اخیر، نقش حیاتی و مهم گزارشگری مالی معتبر و باکیفیت را پررنگ و ضرورت توجه به نقشی که کیفیت حسابرسی در ارتقای گزارشگری مالی دارد را بیش از پیش نمایان نموده است (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). به منظور شناخت مفاهیم و ابعاد مختلف کیفیت حسابرسی، مطالعات گوناگونی انجام گرفته است تا رابطه بین کیفیت حسابرسی و دیگر متغیرهای آن کشف شود. به هر حال، از آن‌جا که کیفیت حسابرسی در عمل به سختی قابل مشاهده است، پژوهش‌ها در این زمینه همواره با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده‌اند (ایمانی برندق و همکاران، ۱۳۹۵). زیرا، میزان اعتباری که حسابرس به صورت‌های مالی می‌بخشد به سادگی قابل مشاهده نیست. یافته‌های پژوهش‌های مطالعه کیفیت حسابرسی همگی حاکی از آن است که عوامل متعددی مانند معقول بودن حق‌الزحمه حسابرسی، تعویض ادواری حسابرسان، محدودیت ارتباط با صاحبکاران، ادغام مؤسسات کوچکتر و تشکیل مؤسسات بزرگتر، پاسخگو کردن حسابرسان، تخصص‌گرایی حسابرسان، تأکید بر بررسی هم‌پیشگان، رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی، وجود قوانین حمایتی از حسابرسان و موارد دیگر، منجر به کیفیت حسابرسی می‌شود (حاجیها و حسنی القار، ۱۳۹۵).

بنابراین، با در نظر گرفتن اهمیت خدمات حسابرسی و عدم امکان مشاهده مستقیم کیفیت حسابرسی، پیدا کردن روشی اثربخش برای کنترل کیفیت حسابرسی، امری ضروری است (واعظ و همکاران، ۱۳۹۳). در این راستا، یکی از مهم‌ترین شاخص کمی اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، اندازه موسسه حسابرسی است که این دو با هم رابطه مستقیم دارند؛ به طوری که هرچه اندازه موسسه حسابرسی بزرگتر باشد، کیفیت حسابرسی هم بیشتر خواهد بود. در این پژوهش منظور از اندازه موسسه حسابرسی، حسن شهرت حسابرسی (نام تجاری) است. در نتیجه حسن شهرت حسابرسی، اعتبار اطلاعات صورت‌های مالی افزایش یافته و لذا کیفیت حسابرسی نیز بالاتر خواهد بود. از سوی دیگر، مؤسسات بزرگ حسابرسی به دلیل شهرت زیاد، از حسابرسان متبحر و آموزش دیده و کنترل کیفی قوی‌تری برخوردار هستند. همچنین، هرچه موسسه حسابرسی از شهرت و بزرگی بیشتری برخوردار باشد، حق‌الزحمه بیشتری را از آن خود خواهد کرد. حق‌الزحمه‌ای که به یک موسسه حسابرسی بزرگ پرداخت می‌شود، بیشتر از حق‌الزحمه‌ای است که به مؤسسات حسابرسی کوچک پرداخت می‌شود؛ زیرا مؤسسات حسابرسی بزرگ کار را باکیفیت

بیشتری در مقایسه با مؤسسات حسابرسی کوچک انجام می‌دهند (سجادی و ابراهیمی مند، ۱۳۸۵). فورمن^۹ (۲۰۰۶) استدلال می‌کند که مؤسسات حسابرسی بزرگ قصور حسابرسی کمتری دارند. علاوه بر این، چانتائو و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۷) نیز استدلال می‌کنند که بین اندازه موسسه حسابرسی و درک سرمایه‌گذار از کیفیت سودآوری رابطه مثبتی وجود دارد. به سخنی دیگر، اندازه‌های مختلف مؤسسات حسابرسی روی کیفیت حسابرسی تأثیرگذار است. به هر حال، شواهد دیگری نیز وجود دارند که نشان می‌دهد، مؤسسات حسابرسی بزرگ همواره کیفیت حسابرسی بهتری از مؤسسات حسابرسی کوچک ارائه نمی‌کنند. در این پژوهش اندازه موسسه حسابرس به عنوان شاخص کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شده است.

مدیریت سود واقعی

ارائه تعریف روشن از مدیریت سود مشکل است، زیرا مرز میان مدیریت سود و تقلب‌های مالی مشخص نمی‌باشد، ولی تفاوت‌های مفهومی آشکاری میان فعالیت‌های حسابداری تقلبی و قضاوت‌ها و برآوردهایی که در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری قرار می‌گیرند، وجود دارد و از آن‌ها می‌توان جهت مدیریت سود سالم استفاده نمود (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴). ایوانس و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۴) بیان کردند که مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران یا از اختیارات گزارشگری خود و یا از نفوذ و تأثیرگذاری خود بر تصمیمات عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی استفاده می‌کنند تا به یک گزارش مطلوب دست یابند. همچنین، ماگرات و ولد^{۱۲} (۲۰۰۲) معتقدند که رویه‌های مدیریت سود به این جهت طراحی شدند که به مدیران کمک کند که وظایف‌شان را نسبت به سهامداران انجام دهند یا سرمایه‌گذاران را فریب دهند.

در ادبیات حسابداری، متداول‌ترین روش‌ها برای مدیریت کردن سود، مدیریت سود تعهدی و دستکاری فعالیت‌های واقعی یا همان مدیریت سود واقعی است (انصاری و همکاران، ۱۳۹۲). مدیریت سود اقلام تعهدی استفاده از اختیارات مجاز حسابداری و گزارشگری به منظور دستیابی به اهداف مهم است (ایزدی نیا و همکاران، ۱۳۹۴). به سخنی دیگر، مدیریت از طریق دستکاری اقلام تعهدی به آرایش ارقام حسابداری مطابق با اهداف مطلوب خود می‌پردازد. در این روش، مدیر به وسیله تسریع در شناخت درآمدها و تأخیر در شناخت هزینه‌ها، به منظور ارائه عملکرد بهتر در دوره‌های جاری، اقدام به مدیریت سود می‌کند (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین، مدیران می‌توانند سودهای گزارش شده را از راه انتخاب اقلام تعهدی

کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی

گروه کثیری از استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری، به اطلاعاتی اتکا می‌کنند که به شکل صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی توسط مدیران تهیه و ارائه می‌شوند. تحقیقات اخیر مشخص کرده است که سرمایه‌گذاران در فرایند تصمیم‌گیری، شرکت‌هایی را انتخاب می‌کنند که سود آن‌ها از پایداری بالاتر و در واقع از کیفیت بالاتری برخوردار است. از طرفی در مواقعی که واحدهای تجاری به لحاظ اقتصادی دچار نوسان می‌شوند و تحت فشارهای جنبی قرار می‌گیرند، مدیران برای سامان بخشیدن به اوضاع شرکت به طور مستقیم و یا غیرمستقیم تلاش می‌کنند تا رقم سود منعکس شده در صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار دهند و موجب مثبت شدن نگاه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و به ویژه سرمایه‌گذاران شوند. بنابراین، در بسیاری از موارد هدف تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، با استفاده‌کنندگان آن‌ها یکسان نیست و این موضوع ناشی از تضاد منافع بین گروه‌های ذینفع در شرکت‌هاست. در چنین شرایطی، راهکارها و ابزارهایی که بتوان از طریق آن‌ها تضاد منافع به وجود آمده را به نوعی تعدیل کرد و مشکلات نمایندگی را به حداقل ممکن رساند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. از میان این ابزارها، استفاده از خدمات افراد صاحب‌نظر باصلاحیت و مستقل برای اعتباردهی به اطلاعات حسابداری، نمود گسترده‌ای در جامعه پیدا کرده و مورد توجه اқشار مختلفی از تصمیم‌گیرندگان مالی و اقتصادی قرار گرفته است. از سوی دیگر، رسوایی‌های مالی اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ باعث عدم اعتماد سرمایه‌گذاران به گزارشات مالی شد که توسط شرکت‌های عام ارائه می‌گردید. بحران‌های مالی شرکت‌های خوشنام و معروفی مثل انرون^{۱۷}، ورلداکام^{۱۸}، تایکو^{۱۹} و گلوبال‌کراسینگ^{۲۰} به تنهایی بیش از ۴۶۰ میلیون دلار به سرمایه‌گذاران و اعضای صندوق‌های بازنشستگی زیان وارد کرد. بنابراین، مکانیزمی هوشیار و اثربخش به منظور تعدیل این تضاد منافع بین گروه‌های مذکور مورد نیاز است تا از منصفانه بودن اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی و قابلیت اعتماد به آن‌ها اطمینان معقولی ایجاد نماید.

پیشینه پژوهش

کیم و سان (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود و اندازه شرکت پرداختند. نتایج نشان داد که شرکت‌های کوچک بیشتر از شرکت‌های بزرگ درگیر مدیریت سود هستند و شرکت‌های کوچک به منظور گزارش نکردن زیان و شرکت‌های بزرگ و متوسط به منظور گزارش نکردن

اختیاری که توسط اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری اجازه داده شده، مدیریت کنند (زارع بهنمیری و همکاران، ۱۳۹۴). تغییر روش استهلاك دارایی‌های ثابت و تغییر ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول، مثال‌هایی از این روش هستند. به صورت کلی این نوع روش، سود حسابداری را بی‌آن که آثار نقدی بر جای بگذارد، به سمت خاصی جهت می‌دهد (مشایخی و عظیمی، ۱۳۹۵). در مقابل، مدیریت سود واقعی عبارت است از عملیاتی از ناحیه مدیریت که از عملیات عادی تجاری انحراف دارد و با هدف دستیابی به آستانه خاصی از اعداد حسابداری صورت می‌پذیرد (بارگیل و بچاک^{۲۱}، ۲۰۰۳). به عبارتی دیگر، مدیریت سود براساس فعالیت‌های واقعی روشی است که مدیران می‌توانند سودهای گزارش شده را از راه تعریف فعالیت‌های واقعی مدیریت کنند. به طور خاص آن‌ها می‌توانند زمان و میزان فعالیت‌های واقعی در سراسر دوره حسابداری را به گونه‌ای تغییر دهند که به یک هدف درآمدی خاصی دست پیدا کنند (کیم و سان^{۱۴}، ۲۰۱۳). دستکاری هزینه‌های اختیاری، تولید اضافی، ارائه تخفیفات قیمتی در پایان سال و زمان‌بندی فروش دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها نیز مثال‌هایی از این روش هستند. برای تشخیص مرز بین مدیریت سود اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی شناخت وجه تمایز بین آن‌ها اهمیت دارد. از این رو، برخی از تفاوت‌های مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی را می‌توان به شرح زیر برشمرد (رویچودهری^{۱۵}، ۲۰۰۶ و گانی^{۱۶}، ۲۰۰۹):

- ✓ برخلاف مدیریت سود تعهدی، مدیریت سود واقعی سود با تغییر در فعالیت‌های عملیاتی همراه است و بر جریان نقدی آینده تأثیر می‌گذارد.
- ✓ مدیران به منظور مدیریت واقعی سود آزادی عمل بیشتری دارند در حالی که مدیریت سود تعهدی یا حسابداری، احتمال کشف بیشتری در بررسی‌های حسابرسی دادگاهی دارد.
- ✓ برای مدیران، ریسک و هزینه‌های شخصی مدیریت سود تعهدی بیشتر است. در حالی که برای واحد تجاری، معمولاً مدیریت واقعی سود هزینه‌های بیشتری را دربر دارد. برای مثال، تولید اضافی باعث تحمیل هزینه‌های نگهداری و انبارداری بیشتر به شرکت می‌گردد.
- ✓ اغلب، مدیریت واقعی سود در طی دوره مالی اتفاق می‌افتد در حالی که مدیریت سود تعهدی معمولاً در پایان دوره مالی به وقوع می‌پیوندد.

لیونگ^{۲۹} (۲۰۰۷) نیز به نتایجی مشابه پژوهش لین (۲۰۰۶) منتج شدند.

چن و همکاران^{۳۰} (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان کیفیت حسابرسی و مدیریت سود برای شرکت‌های درگیر در عرضه عمومی سهام با انتخاب چهار شرکت بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرسان باکیفیت و مقایسه سود در شرکت‌های حسابرسی شده توسط این چهار شرکت با سود در سایر شرکت‌هایی که توسط غیر این چهار شرکت حسابرسی شده‌اند، به بررسی ارتباط کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در مراحل قبل و بعد از عرضه عمومی سهام پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اولاً، در چنین شرکت‌هایی مدیریت سود رخ می‌دهد و ثانیاً، بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی ارتباط معنی‌داری وجود دارد، به این صورت که بالاتر بودن کیفیت حسابرسی موجب کاهش مدیریت سود در این شرکت‌ها می‌شود.

روسن بوم و همکاران^{۳۱} (۲۰۰۳) در زمان عرضه‌های اولیه، مدیریت سود را در نمونه‌ای ۶۴ تایی از شرکت‌های هلندی، طی سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۴ با استفاده از الگوی اقلام تعهدی اختیاری جاری مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها دریافتند که مدیران، سودهای شرکت را در اولین سال بعد از ورود به بورس، مدیریت می‌کنند. در حالی که این مدیریت سود تا قبل از ورود به بورس وجود نداشت. کوه^{۳۲} (۲۰۰۳) نیز در پژوهش خود با بررسی رابطه بین مالکیت نهادی و مدیریت سود در شرکت‌های استرالیایی نشان داد که کاهش مالکیت نهادی منجر به افزایش مدیریت سود و افزایش مالکیت نهادی منجر به کاهش مدیریت سود می‌شود.

اسدی و اشکانی (۱۳۹۳) بر مبنای اطلاعات ۲۰۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ به بررسی رابطه بین کیفیت مؤسسات حسابرسی، اظهار نظر حرفه‌ای حسابرسی و مدیریت سود پرداختند. نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه‌های این پژوهش نشان داد که مدیریت سود به کیفیت مؤسسات حسابرسی بستگی ندارد، اما رابطه معنی‌داری منفی بین اظهار نظر حسابرسی و مدیریت سود وجود دارد، یعنی با افزایش میزان مدیریت سود در شرکت‌ها احتمال دریافت اظهار نظر تعدیلی حسابرسی افزایش می‌یابد.

سجادی و عربی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود، به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود و معرفی پژوهش‌های مختلف انجام شده در این زمینه پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که حسابرسان با رسیدگی‌های دقیق و باکیفیت خود می‌توانند

کاهش سود به مدیریت سود می‌پردازند. در واقع، شرکت‌های کوچک به دلیل ابهامات بیشتری که در مورد ارزش ذاتی و آینده آن‌ها وجود دارد، در مقایسه با شرکت‌های بزرگ ریسک بیشتری دارند و بیشتر در معرض اهداف سوداگرانه سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرند، لذا سطح قیمت‌گذاری کمتر از واقع مورد انتظار در سهام شرکت‌های کوچک بیشتر است. آم استرانگ و همکاران^{۳۱} (۲۰۰۹) با بررسی دستکاری سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری در زمان عرضه‌های اولیه سهام دریافتند که اقلام تعهدی اختیاری در سال‌های عرضه‌های اولیه سهام مورد سوء استفاده و دستکاری مدیریت واقع نمی‌شوند.

چمبرز و پاین^{۳۲} (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان کیفیت حسابرسی و اقلام تعهدی غیرعادی رابطه بین کیفیت حسابرسی و قابلیت اتکای اقلام تعهدی را بررسی و سپس رابطه بین کیفیت حسابرسی و اقلام تعهدی غیرعادی را اثبات می‌نمایند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که مقدار بازده عملیاتی مربوط به اقلام تعهدی یک رابطه منفی با کیفیت حسابرسی دارد به طوری که کیفیت حسابرسی پایین منجر به بیشتر شدن اقلام تعهدی غیرعادی مربوط به بازده عملیاتی می‌شود. پژوهش مامدووا^{۳۳} (۲۰۰۸) نیز با عنوان اثر نسبت بدهی بلندمدت به کل دارایی‌ها بر مدیریت سود بر این نکته تاکید دارد که با افزایش سطح بدهی‌های بلندمدت، مدیریت سود افزایش می‌یابد.

بال و شیواکومار^{۳۴} (۲۰۰۸) به بررسی کیفیت سود در زمان عرضه‌های اولیه سهام پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که شرکت‌های انگلیسی در زمان عرضه‌های اولیه، سود خود را متورم نمی‌سازند و تقاضای بازار و نهادهای مالی نظارتی را در رابطه با رعایت کیفیت سود در نظر می‌گیرند. همچنین یافته‌های پژوهش تندلو و انسترای لن^{۳۵} (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی، ارتباط معنی‌داری وجود دارد و کیفیت بالای حسابرسی در شرکت‌هایی که دارای قوانین مالیاتی مشابه هستند، باعث کاهش در مدیریت سود می‌شود.

جال و همکاران^{۳۶} (۲۰۰۷) با بررسی اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌های حسابرسی شونده در کشور مالزی به این نتیجه رسیدند که مؤسسات حسابرسی بزرگ نسبت به سایر مؤسسات کنترل و صلاحیت بیشتری دارند. همچنین لین^{۳۷} (۲۰۰۶) با بررسی تأثیر وجود کمیته حسابرسی بر مدیریت سود دریافت که بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه معناداری منفی وجود دارد به این معنی که کمیته حسابرسی می‌تواند باعث کاهش میزان مدیریت سود انجام شده توسط مدیران گردد. تحقیقات انجام شده توسط کلین^{۳۸} (۲۰۰۲) و جاگی و

اقدام تعهدی مورد استفاده مدیران را کاهش و مدیریت سود را محدود کنند.

هاشمی و کمالی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر افزایش تدریجی اهرم مالی، میزان جریان نقدی آزاد و رشد شرکت بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان مدیریت سود در شرکت‌هایی که همواره درجه اهرم مالی زیادی دارند، با شرکت‌هایی که به تدریج درگیر افزایش اهرم مالی می‌شوند تفاوت معنی‌داری ندارد. سایر نتایج پژوهش نشان می‌دهد که جریان نقدی آزاد و رشد شرکت، عواملی تأثیرگذار در میزان رفتارهای فرصت طلبانه مدیران هستند که در میزان مدیریت سود تأثیر گذار بوده است.

علوی طبری و سادات اخلاقی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی کیفیت سود در عرضه‌های اولیه سهام در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج به دست آمده نشان داد که کیفیت سود، در سال عرضه اولیه به بیشترین میزان خود، در مقایسه با قبل و بعد از آن می‌رسد. همچنین پژوهش مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۸۸) بر روی ۶۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ با عنوان رابطه بین مدیریت سود و مالکیت نهادی نشان داد که رابطه بین مدیریت سود و مالکیت نهادی منفی است.

ابراهیمی کردلر و حسنی آذر (۱۳۸۵) در زمان عرضه اولیه سهام به عموم در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها در این پژوهش مدل تعدیل شده جونز را برای محاسبه شاخص مدیریت سود برای ۳۰ شرکت عرضه کننده اولیه سهام به عموم در طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ بکار بردند و به این نتیجه دست یافتند که مدیران سود شرکت‌ها را در سال قبل از عرضه اولیه و سال عرضه اولیه سهام به عموم مدیریت می‌کنند. همچنین آن‌ها تأثیر مدیریت سود بر عملکرد بلند مدت قیمت سهام شرکت عرضه کننده اولیه سهام به عموم را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بین اقدام تعهدی جاری اختیاری سال اول شرکت‌ها و عملکرد بلندمدت قیمت سهام در سه سال آتی رابطه معنی دار مثبت وجود دارد.

همان سال یک سطح بالا از مدیریت سود از طریق دستکاری اقدام واقعی را تجربه می‌کنند.

۴- روش شناسی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. به علت گستردگی حجم جامعه آماری و وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضای جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده شده و از این رو، نمونه آماری به روش حذف سیستماتیک انتخاب می‌شود. شرایط یاد شده عبارتند از:

- سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد؛
- شرکت‌هایی که طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲، توقف فعالیت نداشته و دوره مالی خود را تغییر ندهاده باشند؛
- معاملات سهام شرکت‌ها به طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از ۴ ماه در مورد سهام یاد شده اتفاق نیفتاده باشد؛
- اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش از شرکت‌ها در دسترس باشد؛
- شرکت‌هایی که از ابتدای سال ۱۳۸۳ عرضه اولیه سهام داشتند؛

با توجه به شرایط فوق تعداد نمونه آماری این پژوهش ۵۲ شرکت می‌باشد.

جهت گردآوری اطلاعات در خصوص بررسی ادبیات موضوع پژوهش از روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی استفاده شده است و برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز برای پردازش فرضیه‌های پژوهش از مجلات و سالنامه‌های انتشارات سازمان بورس اوراق بهادار تهران و گزارش‌های سالانه و اطلاعات موجود در نرم‌افزار شرکت تدبیرپرداز و ره‌آورد نوین و دیگر نرم افزارهای مرتبط و بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با مراجعه به کتابخانه سازمان بورس محقق گردیده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق بانک‌های اطلاعاتی و اطلاعات استخراج شده از بورس اوراق بهادار و پایان نامه‌ها و مقالات خارجی و داخلی و منابع اینترنتی معتبر می‌باشد.

۴- متغیرهای پژوهش و نحوه محاسبه آن

متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق به صورت زیر تعریف شده اند:

۳- فرضیه پژوهش

این پژوهش دارای یک فرضیه اصلی به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اصلی: شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود و توسط مؤسسات بزرگ حسابرسی می‌شوند، در

• متغیر وابسته

مدیریت سود واقعی: به پیروی از پژوهش رویچودهری (۲۰۰۶) مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی، از دو منظر در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

(۱) هزینه‌های اختیاری غیرعادی

(۲) جریان‌های نقدی عملیاتی اختیاری غیرعادی.

الف) برآورد مدل جریان‌های نقدی عملیاتی اختیاری غیرعادی (ACF)

در اولین قدم، سطح نرمال (عادی) جریان‌های نقدی عملیاتی با استفاده از رابطه (۱) برآورد می‌گردد:

(۱)

$$\frac{CFO_{it}}{AvA sset_{it}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{AvA sset_{it}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{Sales_{it}}{AvA sset_{it}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{\Delta Sales_{it}}{AvA sset_{it}} \right) + \varepsilon_{it}$$

در این رابطه CFO_{it} جریان نقد عملیاتی می‌باشد.

سپس برای برآورد جریان‌های نقدی عملیاتی اختیاری غیرعادی، جریان نقد عملیاتی واقعی شرکت از سطح عادی جریان‌های نقد عملیاتی که از مدل فوق محاسبه شده است کسر خواهد شد.

ب) برآورد مدل هزینه‌های اختیاری غیرعادی (ADE)

در اولین قدم، سطح نرمال (عادی) هزینه‌های اختیاری عملیاتی با استفاده از رابطه (۲) برآورد می‌گردد:

(۲)

$$\frac{DISX_{it}}{AvA sset_{it}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{AvA sset_{it}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{Sales_{it-1}}{AvA sset_{it}} \right) + \varepsilon_{it}$$

در این رابطه $DISX_{it}$ هزینه‌های اختیاری عملیاتی و $Sales_{it-1}$ بیانگر فروش دوره قبل می‌باشد.

سپس برای برآورد هزینه‌های عملیاتی اختیاری غیرعادی، هزینه‌های عملیاتی واقعی شرکت از سطح عادی هزینه‌های عملیاتی که از رابطه فوق محاسبه شده است کسر خواهد شد.

متغیر مستقل

کیفیت حسابرسی: در صورتی که شرکت مورد بررسی در پژوهش توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده باشد عدد یک و در صورتی که توسط سایر مؤسسات حسابرسی مورد حسابرسی قرار گرفته باشد عدد صفر به آن اختصاص داده می‌شود.

• متغیرهای کنترل

همچنین، برای کنترل اثر سایر متغیرهایی که ممکن است بر مدیریت سود موثر باشند بر اساس تحقیقات پیشین اثر متغیرهای زیر نیز کنترل شده است:

$Ln(MK)$ متغیری است برای کنترل اندازه شرکت که به وسیله لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام شرکت به دست می‌آید؛ MB برای کنترل فرصت‌های رشد (نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام)؛ Age عمر شرکتی که سهامش برای بار اول پذیره‌نویسی می‌شود که به صورت لگاریتم طبیعی $Ln(1+Age)$ محاسبه می‌شود، سن شرکت نیز از تفاوت بین تشکیل شرکت و تاریخی که سهامش برای بار اول عرضه می‌شود بدست می‌آید؛ $Capex - growth$ بیانگر رشد مخارج سرمایه‌ای است که از تفاوت مخارج سرمایه‌ای در سالی که سهام شرکت برای بار اول به فروش می‌رسد و مخارج سرمایه‌ای در سال قبل تقسیم بر جمع دارایی‌های شرکت سال قبل از فروش سهام برای بار اول محاسبه می‌شود؛ $Leverage$ دی‌فوند و جیامبالو^{۳۳} (۱۹۹۴) نشان دادند شرکت‌هایی که که سطح بالاتری از بدهی دارند، انگیزه بالاتری برای مدیریت سود دارند بنابراین برای کنترل عامل بدهی از اهرم مالی که از نسبت بدهی به جمع دارایی‌های شرکت بدست می‌آید بهره گرفته خواهد شد؛ برای کنترل عامل سودآوری نیز از ROA استفاده می‌شود (کوتاری و همکاران^{۳۴}، ۲۰۰۵ و گانی، ۲۰۰۹)؛ همچنین رویچودهری (۲۰۰۶) به این نتیجه رسید که شرکت‌هایی که سطح بالایی از مدیریت سود واقعی را دربر می‌گیرند از گزارش کردن زیان‌ها خودداری می‌کنند. به این سبب $Loss$ یک متغیر مجازی است که اگر شرکتی زیان گزارش نموده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص داده می‌شود؛ بر اساس پژوهش کوهن و زاروین^{۳۵} (۲۰۱۰) شرکت‌هایی که افزایش سرمایه می‌دهند در آن سال اقدام به مدیریت سود می‌کنند. از این رو؛ در این پژوهش متغیر SEO نیز همانند متغیر $Loss$ یک متغیر مجازی است و در صورتی که شرکتی در سال عرضه اولیه سهام افزایش سرمایه داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر

$$ACF_{it} = C + \beta_1(Big_{it}) + \beta_2(Ln(MK)_{it}) + \beta_3(MB_{it}) + \beta_4(Age_{it}) + \beta_5(Capex_{it}) + \beta_6(Lev_{it}) + \beta_7(Loss_{it}) + \beta_8(ROA_{it}) + \beta_9(SEO_{it}) + \beta_{10}(IO_{it}) + \varepsilon_{it} \quad (4)$$

اختصاص داده خواهد شد. همچنین بر اساس پژوهش چانگ و کیم^{۳۶} (۲۰۰۲) شرکت‌هایی که درصد مالکیت نهادی بالاتری دارند از سطح پایین تری از مدیریت سود برخوردار می‌باشند. از این رو، متغیر *IO* بیانگر درصد سهام مالکیت نهادی در شرکت‌های مورد بررسی می‌باشد.

بر این اساس مدل فرضیه پژوهش به شرح زیر تدوین گردید: مدل آزمون فرضیه پژوهش با بکارگیری متغیر هزینه‌های اختیاری غیرعادی:

(۳)

$$ADE_{it} = C + \beta_1(Big_{it}) + \beta_2(Ln(MK)_{it}) + \beta_3(MB_{it}) + \beta_4(Age_{it}) + \beta_5(Capex_{it}) + \beta_6(Lev_{it}) + \beta_7(Loss_{it}) + \beta_8(ROA_{it}) + \beta_9(SEO_{it}) + \beta_{10}(IO_{it}) + \varepsilon_{it}$$

مدل آزمون فرضیه پژوهش با بکارگیری متغیر جریان نقدی عملیاتی اختیاری غیرعادی:

۵- نتایج پژوهش

پس از جمع‌آوری داده‌های آمار، جهت جمع‌بندی و محاسبات مورد نیاز از نرم افزار *Excel* استفاده شده و نتایج به دست آمده از آن، در بسته نرم افزار آماری *SPSS* نسخه ۲۲ وارد شده و برای حصول اهداف پژوهش مورد تحلیل نهایی قرار گرفته اند. روش بررسی داده‌ها نیز به سال- شرکت (پانل دیتا) می باشد. همچنین برای تخمین و محاسبه باقیمانده‌های رگرسیون از نرم افزار اقتصادسنجی *Eviews* نسخه ۷ استفاده می شود که نتایج آن به شرح زیر ارائه شده است.

۵-۱- آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی برخاسته از پژوهش در سطح کل شرکت‌ها در جدول ۱ نشان داده شده است:

جدول ۱- نتایج تحلیل توصیفی داده‌های پژوهش

متغیر	علامت	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
مدیریت سود واقعی	ADE	۵۲۰	۰/۱۶۷	۰/۱۵۹	۰/۰۰۱	۰/۸۵۸
	ACF	۵۲۰	۰/۱۱۸	۰/۱۰۳	۰/۰۰۰	۰/۵۲۳
اندازه شرکت	Ln(MK)	۵۲۰	۱۴/۷۴۰	۲/۲۹۹	۹/۷۷۷	۱۹/۲۱۷
نسبت ارزش بازار به دفتری	MB	۵۲۰	۲/۸۶۷	۲/۴۶۲	۱/۲۴۵	۱۳/۳۹۱
عمر شرکت	AGE	۵۲۰	۲/۸۱۵	۰/۶۱۷	۱/۳۸۶	۴/۱۵۴
مخارج سرمایه ای	Capex	۵۲۰	۰/۶۰۶	۱/۲۱۸	-۰/۰۰۷	۶/۹۸۴
اهرم مالی	LEV	۵۲۰	۰/۵۳۱	۰/۱۹۷	۰/۱۱۰	۰/۹۳۰
نرخ بازده دارایی‌ها	ROA	۵۲۰	۰/۱۸۱	۰/۱۵۷	-۰/۲۱۳	۰/۷۴۹
درصد مالکیت سهامداران نهادی	IO	۵۲۰	۰/۵۶۲	۰/۳۲۴	۰/۰۴۳	۰/۹۶۰
کیفیت حسابرسی	Big	۵۲		سازمان حسابرسی	۱۲	۲۳/۱
				سایر مؤسسات	۴۰	۷۶/۹
زیان ده بودن شرکت	Loss	۵۲		زیان ده	۲	۳/۸
				سود ده	۵۰	۹۶/۲
افزایش سرمایه در سال اول پذیرش	SEO	۵۲		افزایش سرمایه دارد	۱۹	۳۶/۵
				افزایش سرمایه ندارد	۳۳	۶۳/۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵-۲- نتایج آزمون فرضیه پژوهش

هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی در زمان عرضه اولیه سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که این هدف براساس فرضیه؛ شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود و توسط مؤسسات بزرگ حسابرسی می‌شوند، در همان سال یک سطح بالا از مدیریت سود از طریق دستکاری ارقام واقعی را تجربه می‌کنند، آزمون می‌شود. نتایج آزمون حاکی از آن بود که:

آزمون فرضیه پژوهش با بکارگیری متغیر هزینه‌های اختیاری غیرعادی

مدل رگرسیونی چند متغیره خطی زیر برای آزمون فرضیه پژوهش با متغیر هزینه‌های اختیاری غیرعادی استفاده شده و نتایج در جدول ۲ ارائه شده است:

$$ADE_{it} = C + \beta_1(Big_{it}) + \beta_2(Ln(MK)_{it}) + \beta_3(MB_{it}) + \beta_4(Age_{it}) + \beta_5(Capex_{it}) + \beta_6(Lev_{it}) + \beta_7(Loss_{it}) + \beta_8(ROA_{it}) + \beta_9(SEO_{it}) + \beta_{10}(IO_{it}) + \varepsilon_{it}$$

با توجه به نتایج آزمون فرضیه پژوهش در رویکرد هزینه-های اختیاری غیرعادی که در جدول ۲ ارائه شده است، سطح معنی‌داری آماره آزمون آرچ بالاتر از سطح خطای مورد پذیرش بوده و نتایج آزمون ناهمسانی واریانس (آزمون آرچ) نشان می‌دهد ناهمسانی واریانس در مدل وجود ندارد. همچنین، نتایج آزمون ضرایب لاگرانژ (2/2 آزمون برآش گادفری) نیز نشان می‌دهد خود همبستگی سریالی وجود ندارد. آماره دوربین- واتسون نیز در دامنه قابل قبول قرار دارد، که نشان می‌دهد همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. سطح معنی‌داری آماره F (0/000) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (5 درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنی‌دار است. با توجه به بالا بودن سطح احتمال (Prob.) آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_1 نتایج آزمون نشان می‌دهد، کیفیت حسابرسی در سال اول پذیرش بر مدیریت سود از طریق هزینه‌های اختیاری غیرعادی تأثیر آماری معنی‌داری ندارد در نتیجه نمی‌توان فرضیه پژوهش در رویکرد دوم را در سطح اطمینان 95٪ پذیرش نمود. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد از ارزش دفتری و نرخ بازده دارایی‌ها بر مدیریت سود از طریق جریان نقدی عملیاتی اختیاری غیرعادی تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته و در نقطه مقابل درصد مالکیت سهامداران نهادی و مخارج سرمایه‌ای تأثیر منفی و معنی‌داری بر مدیریت سود از طریق جریان نقدی عملیاتی اختیاری

طریق هزینه‌های اختیاری غیرعادی دارد. همچنین سایر متغیرهای کنترلی وارد شده در مدل تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته ندارند. ضریب تعیین مدل نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل و کنترلی وارد شده در مدل 54/1 درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

آزمون فرضیه پژوهش با بکارگیری متغیر جریان نقدی عملیاتی اختیاری غیرعادی

مدل رگرسیونی چند متغیره خطی زیر برای آزمون فرضیه پژوهش با متغیر جریان نقدی عملیاتی اختیاری غیرعادی استفاده شده و نتایج در جدول ۳ ارائه شده است:

$$ACF_{it} = C + \beta_1(Big_{it}) + \beta_2(Ln(MK)_{it}) + \beta_3(MB_{it}) + \beta_4(Age_{it}) + \beta_5(Capex_{it}) + \beta_6(Lev_{it}) + \beta_7(Loss_{it}) + \beta_8(ROA_{it}) + \beta_9(SEO_{it}) + \beta_{10}(IO_{it}) + \varepsilon_{it}$$

با توجه به نتایج آزمون فرضیه پژوهش در رویکرد جریان نقدی عملیاتی اختیاری غیرعادی که در جدول ۳ ارائه شده است، سطح معنی‌داری آماره آزمون آرچ بالاتر از سطح خطای مورد پذیرش بوده و نتایج آزمون ناهمسانی واریانس (آزمون آرچ) نشان می‌دهد ناهمسانی واریانس در مدل وجود ندارد. همچنین، نتایج آزمون ضرایب لاگرانژ (2/2 آزمون برآش گادفری) نیز نشان می‌دهد خود همبستگی سریالی در مدل رگرسیونی وجود ندارد. آماره دوربین- واتسون نیز در دامنه قابل قبول قرار دارد، که نشان می‌دهد همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. سطح معنی‌داری آماره F (0/000) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (5 درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنی‌دار است. با توجه به بالا بودن سطح احتمال (Prob.) آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_1 نتایج آزمون نشان می‌دهد، کیفیت حسابرسی در سال اول پذیرش بر مدیریت سود از طریق جریان نقدی عملیاتی اختیاری غیرعادی تأثیر آماری معنی‌داری ندارد در نتیجه نمی‌توان فرضیه پژوهش در رویکرد دوم را در سطح اطمینان 95٪ پذیرش نمود. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد از ارزش دفتری و نرخ بازده دارایی‌ها بر مدیریت سود از طریق جریان نقدی عملیاتی اختیاری غیرعادی تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته و در نقطه مقابل درصد مالکیت سهامداران نهادی و مخارج سرمایه‌ای تأثیر منفی و معنی‌داری بر مدیریت سود از طریق جریان نقدی عملیاتی اختیاری

غیرعادی دارد. همچنین سایر متغیرهای کنترلی وارد شده در مدل تأثیر معنی داری بر متغیر وابسته ندارند. ضریب تعیین مدل نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل و کنترلی وارد شده در مدل ۵۱/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

جدول ۲- نتایج آزمون رگرسیون فرضیه‌ی پژوهش در رویکرد اول (ADE)

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب Coefficient	آماره t	Prob.
مقدار ثابت	C	۰/۱۵۹	۱/۰۵۹	۰/۲۹۶
کیفیت حسابرسی	β_1 (Big)	-۰/۰۰۶	-۰/۱۵۸	۰/۸۷۵
اندازه شرکت	β_2 (Ln(MK))	-۰/۰۷۴	-۲/۱۸۴	۰/۰۴۱
ارزش بازار به دفتری	β_3 (MB)	-۰/۰۰۱	-۰/۰۲۶	۰/۹۷۸
عمر شرکت	β_4 (Age)	۰/۰۶۱	۲/۰۸۴	۰/۰۴۳
مخارج سرمایه ای	β_5 (Capex)	۰/۰۱۱	۰/۷۵۱	۰/۴۵۶
اهرم مالی	β_6 (Lev)	۰/۱۸۰	۱/۶۲۳	۰/۱۱۲
زیان ده بودن شرکت	β_7 (Loss)	۰/۳۰۲	۲/۴۵۵	۰/۰۱۸
نرخ بازده دارایی ها	β_8 (ROA)	۰/۲۷۵	۱/۵۹۹	۰/۱۱۷
افزایش سرمایه	β_9 (SEO)	-۰/۰۱۱	-۰/۲۹۳	۰/۷۷۱
درصد مالکیت سهامداران نهادی	β_{10} (IO)	۰/۱۹۴	-۲/۶۳۶	۰/۰۱۲
آماره F		۴/۸۴۵ (۰/۰۰۰)		
سطح معنی داری (Prob.)		۲/۰۳۷		
آماره دوربین- واتسون		۰/۰۱۹ (۰/۹۸۱)		
آزمون خود همبستگی سریالی (آزمون Breusch-Godfrey)		سطح معنی داری (Prob.)		
آزمون ناهمسانی واریانس (آزمون ARCH)		سطح معنی داری (Prob.)		
ضریب تعیین (R2)		۰/۵۴۱		
ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR2)		۰/۴۲۹		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۳- نتایج آزمون رگرسیون فرضیه‌ی پژوهش در رویکرد اول (ACF)

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب Coefficient	آماره t	Prob.
مقدار ثابت	C	۰/۱۴۵	۱/۴۴۹	۰/۱۵۵
کیفیت حسابرسی	β_1 (Big)	-۰/۰۱۶	-۰/۵۷۵	۰/۵۶۸
اندازه شرکت	β_2 (Ln(MK))	-۰/۰۰۱	-۰/۱۷۳	۰/۸۶۳
ارزش بازار به دفتری	β_3 (MB)	۰/۰۴۳	۱/۹۹۷	۰/۰۴۹
عمر شرکت	β_4 (Age)	-۰/۰۱۷	-۰/۹۱۱	۰/۳۶۷
مخارج سرمایه ای	β_5 (Capex)	-۰/۰۲۱	-۲/۱۱۲	۰/۰۴۰
اهرم مالی	β_6 (Lev)	۰/۰۳۹	۰/۵۳۶	۰/۵۹۴
زیان ده بودن شرکت	β_7 (Loss)	۰/۱۵۹	۱/۹۵۵	۰/۰۵۷
نرخ بازده دارایی ها	β_8 (ROA)	۰/۳۷۸	۳/۳۰۳	۰/۰۰۲
افزایش سرمایه	β_9 (SEO)	-۰/۰۰۱	-۰/۰۵۲	۰/۹۵۸
درصد مالکیت سهامداران نهادی	β_{10} (IO)	-۰/۱۰۳	-۲/۱۰۹	۰/۰۴۱

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب Coefficient	آماره t	Prob.
آماره F			۴/۳۰۴	(۰/۰۰۰)
سطح معنی داری (Prob.)				
آماره دوربین-واتسون			۲/۳۳۸	
آزمون خود همبستگی سریالی (آزمون Breusch-Godfrey)			۰/۸۸۶	(۰/۴۲۰)
سطح معنی داری (Prob.)				
آزمون ناهمسانی واریانس (آزمون ARCH)			۰/۰۶۴	(۰/۸۰۰)
سطح معنی داری (Prob.)				
ضریب تعیین (R2)			۰/۵۱۲	
ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR2)			۰/۳۹۳	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶- نتیجه‌گیری و بحث

مدیریت سود برآیند درجهایی از قابلیت انعطاف و اعمال نظری است که مدیران در گزارشگری مالی خود دارند. مدیران ممکن است از این قدرت خود برای مدیریت فرصت‌طلبانه سود یا انتقال اطلاعات محرمانه درباره عملکرد آتی شرکت استفاده نمایند. از طرف دیگر، با توجه به اینکه صورت‌های مالی بخش عمده‌ای از اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان یک شرکت را تأمین می‌کند، براساس چنین سطح اعتمادی به صورت‌های مالی، اهمیت حضور حسابرسان به عنوان بخشی از نظارت بر فرایند گزارشگری مالی حیاتی است. از این رو، افزایش کیفیت خدمات حسابرسی باید به عنوان یکی از مهم‌ترین فاکتورهای اجرای عملیات حسابرسی در موسسه‌های حسابرسی مورد توجه قرار گیرد تا رسالت حسابرسی که اعتباردهی به صورت‌های مالی است در بالاترین سطح اطمینان انجام پذیرد و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی با کیفیت‌ترین خدمات را از حسابرسان دریافت کنند.

بر این اساس در این پژوهش تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی (از منظر هزینه‌های اختیاری غیرعادی و جریان‌ات نقدی عملیاتی غیرعادی) در زمان عرضه اولیه سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شد. با جمع آوری داده‌ها از نمونه مورد بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش، یافته‌ها نشان داد در رویکرد اول فرضیه پژوهش، رابطه معناداری بین کیفیت حسابرسی در سال اول پذیرش با مدیریت سود از طریق هزینه‌های اختیاری غیرعادی وجود ندارد، در نتیجه نمی‌توان فرضیه پژوهش را در رویکرد اول در سطح اطمینان ۹۵٪ پذیرش نمود. همچنین، به دلیل عدم وجود رابطه معناداری بین کیفیت حسابرسی در سال اول پذیرش بر مدیریت سود از طریق جریان‌ات نقدی عملیاتی اختیاری غیرعادی نیز نمی‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪

فرضیه پژوهش در رویکرد دوم را پذیرش نمود. بنابراین، فرضیه اصلی این پژوهش برای شرکت‌های مورد مطالعه تأیید نمی‌گردد. این موضوع با یافته‌های قبلی چمبرز و پابین (۲۰۰۸)، تندلو و انسترای-لن (۲۰۰۸)، جال و همکاران (۲۰۰۷)، لین (۲۰۰۶)، چن و همکاران (۲۰۰۵)، اسدی و اشکانی (۱۳۹۳) و سجادی و همکاران (۱۳۹۰) همسو نیست. این یافته را می‌توان این‌گونه توجیه کرد که مدیران شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود بیشتر به مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی علاقه نشان می‌دهند تا اینکه بخواهند از طریق اقلام واقعی به دستکاری سود بپردازند شاید دلیل این مورد بیشتر این باشد که مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی، و با توجه به اینکه هدف مدیران بیشتر تأثیرگذاری بر نظر سرمایه‌گذاران و سهامداران است از این رو، این راهکار را یکی از موارد دستکاری سود می‌دانند.

همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که در رویکرد اول فرضیه پژوهش از بین متغیرهای کنترلی وارد شده در مدل؛ متغیرهای اندازه شرکت، عمر شرکت، و زیان ده بودن تأثیر مثبت و معنادار و در نقطه مقابل درصد مالکیت سهامداران نهادی تأثیر منفی و معنی‌داری بر مدیریت سود از طریق هزینه‌های اختیاری غیرعادی دارد. از طرف دیگر، در رویکرد دوم فرضیه پژوهش از بین متغیرهای کنترلی وارد شده در مدل؛ نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و نرخ بازده دارایی‌ها تأثیر مثبت و معنادار و در نقطه مقابل درصد مالکیت سهامداران نهادی و مخارج سرمایه‌ای تأثیر منفی و معنی‌داری بر مدیریت سود از طریق جریان‌ات نقدی عملیاتی اختیاری غیرعادی دارد. این موضوع نیز با یافته‌های قبلی کیم و همکاران (۲۰۱۴)، مامدووا (۲۰۰۸)، کوه (۲۰۰۳) هاشمی و کمالی (۱۳۸۹) همسو می‌باشد.

با توجه به نتایج آزمون فرضیه های پژوهش پیشنهادهای ذیل مطرح می گردد:

با توجه به نتیجه فرضیه پژوهش به سرمایه گذاران توصیه می شود هنگام استفاده از صورت های مالی جهت تصمیم گیری در رابطه با سرمایه گذاری در سهام شرکت ها یا فروش سهام به پدیده دست کاری سود توجه نمایند. هر چند مدیریت سود جنبه های مثبت و منفی دارد ولی برای کسب بازدهی می تواند تأثیرات با اهمیتی داشته باشد. از طرف دیگر، یکی از مهم ترین راهکارهای ارتقای کیفیت حسابرسی کشور، شفافیت بیشتر از سوی حسابرسان و مقررات گذاران و همکاری آن ها با دانشگاهیان در هدف گذاری مشترک یعنی درک بهتر محرک های مختلف کیفیت حسابرسی است. دسترسی دانشگاهیان به داده هایی که تاکنون افشاء نشده اند (البته در حد مقدور و با در نظر گرفتن محدودیت ها) و فراهم کردن بستری برای انجام پژوهش های کافی در زمینه ابعاد مختلف کیفیت حسابرسی، می تواند زمینه ساز تحقق هدف یاد شده باشد. همچنین، تأکید می شود شرکت های جدیدالورود با دقت و طبق اصول حسابداری صورت های مالی را تهیه و ارائه نمایند؛ زیرا سهامداران بر حسب صورت های مالی و وضعیت عملکردی و خصوصاً پیش بینی های مالی این شرکت ها به اخذ تصمیم مبادرت می نمایند. از این رو، ارائه اطلاعات دقیق از طرف شرکت هایی که سهام آن ها برای بار اول عرضه می شود حائز اهمیت می باشد. از دیگر سو، با توجه به نتیجه حاصله از فرضیه های پژوهش پیشنهاد می شود که استفاده کنندگان از خدمات حسابرسان و صورت های مالی توجه داشته باشند که اندازه دستگاه حسابرسی تفاوت معنی داری در کشف تحریفات با اهمیت در قوانین و مقررات ایجاد می کند. از این رو، مؤسسات حسابرسی و کیفیت حسابرسی می تواند یکی از مواردی باشد که سرمایه گذاران و سهامداران بایستی در تصمیمات خود مدنظر داشته باشند. همچنین، با توجه به نقش اطلاعات شفاف، قابل اتکا و به موقع در تصمیم گیری و کمک به کارآتر شدن بازار سرمایه و مشارکت مردم در بازار سرمایه، پیشنهاد می شود بستری مناسب جهت اطلاع رسانی سریع، دقیق و صحیح فراهم شود.

با توجه به محدودیت های پژوهش و با در نظر گرفتن ادبیات و متون مطالعه، پیشنهادات زیر برای انجام در پژوهش های آتی ارائه می شود:

- ۱) بررسی رابطه مدیریت سود با کیفیت حسابرسی با استفاده از مدل های کازنیک و روش توزیعی؛
- ۲) تکرار این پژوهش با استفاده از سایر معیارهای کیفیت حسابرسی مانند حسن شهرت حسابرس؛ و

۳) بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس با کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و هزینه های حسابرس.

فهرست منابع

- * ابراهیمی کردلر، علی، حسنی، الهام و آذر داریانی، (۱۳۸۵)، بررسی مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام به عموم در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران "فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۵، صص ۳-۲۳.
- * اسدی، غلامحسین و بهروز اشکانی، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین کیفیت مؤسسات حسابرسی، اظهارنظر حرفه ای حسابرسی و مدیریت سود، حسابرسی: نظریه و عمل، سال اول، شماره ۲، صص ۴۷-۷۰.
- * انصاری، عبدالمهدی، دری سده، مصطفی و مسعود نرگسی، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر دستکاری فعالیت های واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران، دانشگاه فردوسی مشهد.
- * ایزدی نیا، ناصر، دری سده، مصطفی و مسعود نرگسی، (۱۳۹۴)، بررسی مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود در دوره های قبل و بعد از تصویب قانون بازار اوراق بهادار ایران، دانش حسابداری، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۵۵-۸۲.
- * ایمانی برندق، محمد، مهرانی، کاوه، و رحیم حجت شمایی، (۱۳۹۵)، شناسایی عوامل تعیین کننده کیفیت حسابرسی در ایران از دیدگاه حسابداران رسمی، دانش حسابداری، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۶۷-۱۸۹.
- * باقرزاده، سعید، نیک بخت، محمد رضا و ایرج نوروش، (۱۳۹۰)، عوامل مؤثر بر بازده کوتاه مدت سهام عرضه های عمومی اولیه (IPO) در بورس اوراق بهادار تهران، شماره ۱، صص ۷۸-۱۰۷.
- * حاجیها، زهره و مسعود حسنی القار، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین فرا اعتماد مدیریت، کیفیت حسابرسی و استقرار کمیته حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، چهاردهمین همایش ملی حسابداری ایران، دانشگاه ارومیه.
- * حساس یگانه، یحیی و امید مقصودی، (۱۳۸۹)، تأثیر آیین رفتار حرفه ای و تجربه بر کیفیت قضاوت حسابرسی، حسابدار رسمی، ۹، ۴۹-۵۷.
- * زارع بهنمیری، فاطری، علی و مصطفی ملکیان کله بستنی، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه مدیریت سود واقعی و تعهدی و

تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال دوم، شماره ۹، ص ۲۲.

* نورووش، ایرج، سیاسی، سحر و محمدرضا نیکبخت، (۱۳۸۴)، بررسی مدیریت سود در شرکت های پذیرفته در بورس تهران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و دوم، شماره (ویژه نامه حسابداری)، شماره ۴۳، صص ۱۶۵-۱۷۷.

* واعظ، سیدعلی، رمضان احمدی، محمد و محسن رشیدی باعی، (۱۳۹۳)، تأثیر کیفیت حسابرسی بر حوالزحمه حسابرسی شرکت ها، دانش حسابداری مالی، دوره اول، شماره ۱، صص ۸۷-۱۰۷.

- * Alhadab, M., Clacher, I., & Keasey, K. (2013). Real and accruals earnings management around initial public offering under different regulatory Environments. Working paper, <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2186502> (Accessed 9 October 2015).
- * Armstrong, CH.S, G. Foster and D.J. Taylor, (2009). Earnings Management around Initial public offerings: A Re-Examination.
- * Armstrong, Hina, (2009). The under pricing of initial public offerings: Some UK Evidence. *International Financial Management & Accounting*. 16. (No. 3). 229-262.
- * Azibi, J., Tondeur, H. and Rajhi, M., (2010). Auditor choice and institutional investor characteristics after the Enron scandal in the French context, *Crises ET nouvelles problématiques de la Valeur*, Nice: France.
- * Ball, R & Shivakumar, C, (2008), the financial conditions for Swedish SMEs: Survey and research agenda. *Preview*, *Small Business Economics*, vol. 9, PP. 179-195.
- * Bar-Gill, O., and L. Bebchuk, (2003). Misreporting corporate performance Working. Paper, Harvard University.
- * Chambers D, Payne J., (2008,) "Audit Quality and the Accrual Anomaly. Working Paper", Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1136787>.
- * Chen, K.; Lin L. K. & Zhou, J. (2005). Audit Quality and Earnings Management for Taiwan IPO Firms, *Managerial Accounting Journal*, Vol. 20, No. 1, PP. 86-104.
- * Chuntao Li, Frank M Song, Sonid ML Wong, (2007). Audit Firm Size and Perception of Audit Quality: Evidences from a competitive Audit market in china 2007; PP. 1-17.
- * Cohen, D. A., & Zarowin, P. (2010). "Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings". *Journal of Accounting and Economics*, 50, 2-19.
- * DeAngelo, L. E, (1981). Auditor size and audit quality, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 3, PP. 183-99.
- * DeFond, M. L., & Jiambalvo, J. (1994). "Debt covenant violation and manipulation of accruals". *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 17, PP. 145-176.

هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، راهبرد مدیریت مالی، سال سوم، شماره ۷، صص ۱۴۱-۱۵۹.

* سجادی، سیدحسین و مهدی ابراهیمی مند (۱۳۸۸)، عوامل افزایشده استقلال حسابر، پیشرفت های حسابداری، دوره دوازدهم، شماره ۲، صص ۶۱-۸۰.

* سجادی، سید حسین و مهدی عربی، (۱۳۸۹)، تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود، حسابداری رسمی، دوره ششم، شماره ۱۲، ۱۰۴-۱۰۸.

* سعیدی، علی، حمیدیان، نرگس و حامد ربیعی، (۱۳۹۲)، رابطه بین فعالیت های مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی و پژوهشی حسابداری مدیریت، سال ششم، شماره ۱۷، صص ۴۵-۵۸.

* عباسزاده، محمدرضا، قناد، مصطفی و افشین بهسودی، (۱۳۹۵)، شفافیت اطلاعاتی و کیفیت خدمات حسابرسی؛ شواهدی از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، همایش نخستین رویکردهای نوین در حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه.

* علوی طبری، حسین؛ سادات اخلاقی، سارا (۱۳۸۹)، بررسی کیفیت سود در عرضه های اولیه سهام در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۲۷، صص ۱۱۹-۱۳۸.

* کردستانی، غلام رضا و علی آشتاب، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین خطای پیش بینی سود و بازده غیرعادی سهام شرکت های جدیدالورود به بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره هفدهم، شماره ۶۰، صص ۹۳-۱۰۸.

* مرادزاده فرد، مهدی، ناظمی اردکانی، مهدی، غلامی، رضا و حجتاله فرزانی (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دوره شانزدهم، شماره ۵۵، صص ۸۵-۹۸.

* مشایخی، بیبا و عابد عظیمی، (۱۳۹۵)، تأثیر توانایی های مدیریت بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره بیست و سوم، شماره ۲، صص ۲۵۳-۲۶۷.

* نمازی، محمد، بایزدی، انور و سعید جبارزاده کنگرلویی، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران،

یادداشت‌ها

^۱ این مقاله حاصل طرح پژوهشی است که بودجه پژوهشی آن را دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب تأمین نموده است

- ¹. Azibi et al
 - ². Jensen and Meckling
 - ³. Piot and Janin
 - ⁴. DeAngelo
 - ⁵. Titman and Trueman
 - ⁶. Firth
 - ⁷. Alhadab et al
 - ⁸. Armstrong
 - ⁹. Fuerman
 - ¹⁰. Chuntao et al
 - ¹¹. Evans et al
 - ¹². Magrath and Weld
 - ¹³. Bar Gill and Bebchuk
 - ¹⁴. Kim and Sohn
 - ¹⁵. Roychowdhury
 - ¹⁶. Gunny
 - ¹⁷. Enron
 - ¹⁸. WorldCom
 - ¹⁹. Tyco
 - ²⁰. Global Crossing
 - ²¹. Armstrong et al
 - ²². Chambers and Payne
 - ²³. Mamedova
 - ²⁴. Ball and Shivakumar
 - ²⁵. Tendello and Vanstraelen
 - ²⁶. Jal et al
 - ²⁷. Lin
 - ²⁸. Klein
 - ²⁹. Jagy and Leung
 - ³⁰. Chen et al
 - ³¹. Roosenboom et al
 - ³². Koh et al
 - ³³. DeFond and Jiambalvo
 - ³⁴. Kothari et al
 - ³⁵. Cohen and Zarowin
 - ³⁶. Chung and Kim
- * Evans, M., Houston, R., Peters, M., and Pratt, J. (2014). Reporting regulatory environments and earnings management: U.S. and non-U.S. firms using U.S. GAAP or IFRS. The Accounting Review In-Press. doi: <http://dx.doi.org/10.2308/accr-51008>.
 - * Firth, M. (1998). Ipo profit forecasts and their role in signaling firm value and explaining post-listing returns", Applied Financial Economics, Vol. 8, PP. 29-39.
 - * Fuerman, R, C, (2006). The Auditor Quality of Arthur Andersen to that of the Big 4: API: Volume six 2006; PP. 1-10.
 - * Gunny, K. A. (2009). The Relation between Earnings Management Using Real Activities Manipulation and Future Performance: Evidence from Meeting Earnings Benchmarks. Contemporary Accounting Research, 27, 855-888.
 - * Jensen, M.C., and Meckling W.H., (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure, Journal of Financial Economics (October): PP. 305-360.
 - * Kim, J.B. & Sohn, B.C. (2013). Real Earnings Management and Cost of Capital. Journal of Accounting and Public Policy, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2199375>.
 - * Koh, P.S. (2003), On the Association between Institutional Ownership and Aggressive Corporate Earnings Management in Australia. The British Accounting Review, Volume 35, PP. 105-128.
 - * Kothari, S. P., Leone, A. J., & Wasley, C. E. (2005). "Performance matched discretionary accrual measures". Journal of Accounting and Economics, Vol. 39, PP. 163-197.
 - * Magrath, L., and Weld, L.G, Abusive earnings management and early warning signs, The CPA Journal, 2002, 72 (8), PP. 50-54.
 - * Mamedova, I, Z, (2008). The effect of leverage increases on real earnings management", <http://www.glsn.com/ers>.
 - * Piot, Charles and Janin, Rémi, (2005). Audit Quality and Earnings Management in France, CERAG & Pierre Mendès France University (Grenoble 2) and University Pierre Mendes, Working Paper.
 - * Roosenboom, P, T.V.D. Goot and G.Mertens. (2003). Earnings management and initial public offerings: Evidence from the Netherlands. The International journal of Accounting 38, PP. 243-266.
 - * Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. Journal of Accounting and Economics, Vol. 42, PP. 335-370.
 - * Tendello, B. & Vanstraelen, A. (2008). Earnings management and Audit quality in Europe: from the Private Client Segment, European Accounting Review, Vol. 17, No. 3, PP. 447-469.
 - * Titman, S., & Trueman, B. (1986). Information quality and the valuation of new issues. Journal of Accounting and Economics, Vol. 8, PP. 159-172.